

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۶، شماره ۶۰، تابستان ۱۴۰۳، صص ۱-۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۱۲

(مقاله پژوهشی)

DOI:

کاربردهای هنری اصطلاحات دانش پزشکی در اشعار نظامی گنجوی

سهیلا رجایی^۱، دکتر رقیه رضایی^۲، دکتر حسین پارسایی^۳

چکیده

پزشکی و شناخت داروها از گذشته‌های دور، از دانش‌های رایج در ایران بوده است؛ بنابراین انعکاس واژگان و اصطلاحات این دانش در درخشان‌ترین آینه فرهنگی ایران یعنی ادبیات منظوم و منثور، جای شگفتی نیست و ادبا به ویژه شاعران، از این دانش در سروده‌های خود بهره برده‌اند و از این دانش و اصطلاحات و مفاهیم مربوط به آن در آفرینش و خلق مضامین و صور خیال سود جستند تا آنجا که اشاره به دانش پزشکی به عنوان یکی از ویژگی‌های سبکی اشعار سده ششم به شمار آمده است. نظامی به عنوان شاعر برجسته این سبک، علاقه وافری به استفاده از اصطلاحات دانش پزشکی نشان داده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل دانش پزشکی و کاربردهای هنری نظامی در بازتاب این دانش، با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و ترسیم نمودار فراوانی، به تحقیق درباره اصطلاحات پزشکی در خمسه پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که نظامی در دانش پزشکی اطلاعات وسیعی داشته و از امراض و بیماری‌های عهد خود آگاه بوده است. وی با خواص انواع داروها و تأثیر آن‌ها بر درمان بیماران و نیز شیوه درمان بیماری‌ها آشنا بوده است. نظامی در کاربرد اصطلاحات پزشکی هم به جنبه علمی و هم به جنبه ادبی توجه نموده است. وی با به کارگیری مبتکرانه و خلاقانه این دانش و آراستن آن با انواع صورخیال و آرایه‌های بدیعی، هنر خویش را به نمایش گذاشته است.

کلمات کلیدی: دانش پزشکی، بیماری‌ها، داروها، آرایه‌های ادبی، نظامی گنجوی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

soheila.rajaei.2021@gmail.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران. (نویسنده مسؤل)

dr.roghayehrezaei@gmail.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

h.parsaei@qaemiau.ac.ir



مقدمه

اطلاعات و معارف علمی مختلف و متعددی که به اشکال مختلف در شعر شاعران جلوه‌نمایی کرده است را می‌توان یکی از شاخصه‌های اصلی درونمایه‌های شعری آنان دانست که یکی از علت‌های اصلی این پدیده در دوران اولیه شعر فارسی، گسترش علوم عقلی، شاخه‌های گوناگون معارف بشری، توسعه محافل و مراکز علمی است. همچنین ظهور دانشمندان بزرگی مانند ابن سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، زکریای رازی و جز آنان که با پدید آوردن آثار ارزشمندی در زمینه‌های گوناگون ریاضیات، نجوم، منطق، فلسفه، طب و ... تأثیر بسزایی در توسعه فرهنگ ایرانی از خود بجا گذاشته‌اند، یکی دیگر از علل گسترش علوم مختلف در شعر است. در این راستا معارف علوم عقلی مانند طب در شعر شاعران انعکاس یافت، بخصوص از قرن پنجم به بعد که این امر محصول انس گویندگان فارسی زبان با محافل علمی، مدارس و آثار علمی دانشمندان و توجه آنان به اظهار هنر و فضل در شعر بوده است.

نظامی، شاعر و داستان‌پرداز قرن ششم بسیاری از علوم و از جمله دانش پزشکی را به منظور تصویرآفرینی و انتقال بهتر مضامین شعری خود به مخاطب به کار برده است که گاهی بدون آگاهی از این دانش و اصطلاحات آن، درک برخی از ابیات وی دشوار می‌گردد. وی برای خلق مضامین تازه و هنری در قالب‌های گوناگون بیانی نظیر تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز و مانند آن‌ها، از این اصطلاحات و مفاهیم طبی، به عنوان ابزاری هنری مدد جسته است. در این پژوهش کاربردهای هنری اصطلاحات پزشکی در اشعار نظامی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: نظامی برای هنری نمودن ابیات مرتبط با دانش پزشکی از چه شگردهایی بهره برده است؟ نگاه نظامی به دانش پزشکی چگونه است؟

پیشینه تحقیق

امیراحمدی (۱۳۹۰) در مقاله «طب سنتی و شیوه‌های درمانی در پنج گنج نظامی»، به صورت گذرا به طب سنتی و روش‌های درمانی در خمسه نظامی اشاره کرد؛ حمید صمصام و فاطمه سرحدی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «اصطلاحات پزشکی خمسه نظامی و تطبیق آن با علم پزشکی امروز»، تعدادی از اصطلاحات پزشکی خمسه نظامی را با علم پزشکی امروز مقایسه نمودند؛ سلمان ساکت (۱۳۸۶) در مقاله «بررسی پاره‌ای از مسائل پزشکی در آثار نظامی»، بعضی از مسائل پزشکی در آثار نظامی را با کتاب‌های مهم پزشکی - دارویی کهن مورد ارزیابی و مقایسه قرار داد؛ با توجه به پیشینه‌های ذکر شده، تاکنون پژوهشی به صورت گسترده همه

اصطلاحات پزشکی خمسه و کاربردهای هنری اصطلاحات این دانش را بررسی ننموده و به جنبه آماری نپرداخته است، کاری که در این پژوهش انجام می‌شود.

روش تحقیق

اطلاعات مورد نیاز برای این پژوهش به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. با مطالعه آثار و کتاب‌های مربوط، مطالب و داده‌ها جمع‌آوری و یادداشت‌برداری شده است و در نهایت اطلاعات به روش توصیفی-تحلیلی، تجزیه و تحلیل و نمودار فراوانی ترسیم شده است. جامعه آماری پژوهش خمسه نظامی است.

مبانی تحقیق

دانش پزشکی

پزشکی و طب، علم به قوانینی است که به وسیله آن چگونگی بدن انسان از نظر تندرستی و عدم آن شناخته می‌شود تا سلامت موجود حفظ شود... حفظ سلامت موجود، در واقع بیانی برای غایت طب است. (ر.ک: تهانوی، ۱۳۷۶: ج ۱/ ۲۵-۲۶) از نظر ابن‌سینا، طب دانشی است که به وسیله آن، احوال بدن شناخته می‌شود، از جهت آنچه که سبب سلامتی و بیماری آن می‌شود تا با کمک این دانش صحت و سلامتی موجود حفظ شود و در صورت از دست رفتن سلامتی، آن را به بدن بازگرداند (ر.ک: ابن‌سینا، ۱۳۶۳: ج ۳/۱). مأموریت اصلی دانش پزشکی، به کارگیری هر روش درمانی است که بتواند هر مقدار از دردها و آلام بیماران و دردمندان بکاهد (شمس‌اردکانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۶۵). در قدیم، دانش طب یا پزشکی یکی از متفرعات علم حکمت به حساب می‌آمده و کسی که حکمت می‌خوانده، ناگزیر از فراگیری طب نیز بوده است.

طب سنتی

طب قدیم یا سنتی علمی است که در مورد بدن انسان، طبایع مختلف، مزاج‌های گوناگون، اثر داروهای گیاهی با مزاج‌های مختلف و گاهی اوقات جراحی و مزاج‌فصول و نوشیدنی‌ها و خوراکی‌ها بحث می‌کند. در این علم علل بیماری‌ها، سپس درمان توسط داروهای مختلف گیاهی و انواع معجون‌ها، خوراکی‌ها، نوشیدنی‌ها و بعضی مواقع به وسیله جراحی بیمار را درمان می‌کنند. این طب از داروهای گیاهی و حیوانی و معدنی استفاده می‌کند. حجامت، بادکش و فصد نیز در این طب وجود دارد. شناخت و تشخیص بیماری‌ها از طریق نبض، ادرار، مدفوع و علائم بالینی بیمار انجام می‌شود (ر.ک: خدادادی، ۱۳۸۸: ۲۳).

بیماری

به انحراف مزاج که بر اثر تغییر وضع ساختمان بدن و یا انحراف اعمال نسج‌های اندام‌ها بر اثر اخلاص حاصل در خون و یا ورود میکروب‌ها و ویروس‌های شناخته و ناشناخته در بدن انسان به وجود می‌آید بیماری یا مرض گویند که در اثر آن انسان، دچار انحراف و دگرگونی می‌شود. در اصطلاح پزشکی به آن شخص بیمار گفته می‌شود (ر.ک: ماهیار، ۱۳۸۴: ۴۸). همان‌گونه که می‌دانیم بدن انسان از اندام‌های مختلفی بوجود آمده است. این اندام‌ها زمانی که در صحت و سلامت باشند، انسان به راحتی به زندگی خود ادامه می‌دهد، اما اگر این اندام‌ها بیمار شوند سیستم بدنی انسان مختل شده و گاه موجب مرگ خواهد شد.

دارو

آن چیزی را که طبیب برای بیمار جهت معالجه اعم از خوردنی، یا نوشیدنی و یا مالیدنی بر اعضای بدن تجویز می‌کند را اصطلاحاً دارو گویند. داروها انواع مختلفی دارند که تعداد آن‌ها را ابن سینا چهل و هفت نوع دانسته است. در لغت‌نامه دهخدا دارو یا دوا چیزی است که طبیب برای معالجه بیمار تجویز کند از خوردنی یا نوشیدنی یا مالیدنی و یا هر چه با آن دردی را درمان کنند (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل واژه). داروها انواع گوناگونی دارند: قرص‌ها، داروهای گیاهی، داروهای حیوانی، داروهای معدنی و داروهای ترکیبی.

تصویرسازی

تصویرآفرینی از مهم‌ترین توانایی‌های شاعر در خلق یک اثر منظوم به شمار می‌آید؛ زیرا او این کار را با استفاده از اندوخته‌های ذهنی و علمی خود و بکاربردن امکانات زبانی و بیانی انجام می‌دهد.

تصویر در لغت به معنای صورت و شکل قراردادن برای چیزی یا نقش و رسم نمودن چیزی است (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل واژه). در تعریف براهنی «تصویر عبارت است از نحوه خاص ظهور یک شیء در شعور انسانی. به طریق اولی تصویر، طریقه خاصی است که شعور انسانی به وسیله آن، چیزی را برای خود ترسیم می‌کند» (براهنی، ۱۳۸۰: ۱۱۴).

مراد از تصویر، نقش آفرینی و سیماسازی شاعرانه‌ای است که سخنور با خامه‌ای از خیال بر صفحه سخن می‌نگارد و حاصل آن همان است که در ادب، تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تجسیم، تشخیص و به طور کلی صورخیال (ایماژ) خوانده می‌شوند (ر.ک: راستگو، ۱۳۷۶: ۶۱).

از نظر شفیعی کدکنی تصویر، مجموعه تصرفات بیانی و مجازی از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز مرسل، تمثیل، نماد، اغراق و مبالغه، اسناد مجازی، تشخیص، حس آمیزی و... است. تصرف ذهنی شاعر درباره طبیعت و انسان و تلاش ذهنی وی برای برقراری نسبت میان این دو «خیال» یا «تصویر» نامیده می‌شود که شاعر به کمک آن واقعیت‌های مادی و معنوی را با مفهوم وسیع‌تر و با بیانی برجسته نشان می‌دهد؛ حتی اگر از انواع مجاز و تشبیه در آن نشانی نباشد (ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۱۱).

۵

معرفی حکیم نظامی

جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف نظامی شاعر برجسته قرن ششم که از زندگانی وی اطلاعات دقیقی در دست نیست و نظرات درباره سال تولد و وفاتش مختلف است. وی در گنجه می‌زیست (ر.ک: صفا، ۱۳۷۲: ج ۲ / ۷۹۸). وی سه بار ازدواج کرد که هر سه همسر وی در زمان حیات شاعر درگذشتند و یک فرزند داشت به نام محمد (ر.ک: جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۸۰). نظامی همه عمرش را در گنجه و در عزلت و زهد به سر برد و در فاصله سال‌های ۶۰۲-۶۱۲ در گنجه در گذشت و همانجا به خاک سپرده شد.

نظامی شاعری درباری نبود و به سبب باوره‌ایش از دربار پرهیز می‌کرد. او سنی مذهب بود. امتیاز بزرگ نظامی در داستان‌سرایی اوست. نظامی با سرودن پنج‌گنج، داستان غنایی را به چنان قله رفیعی رساند که هیچ کس پس از او نتوانست بر آن صعود کند. وی به عنوان یکی از شاعران مطرح سبک آذربایجانی، اصطلاحات علوم مختلف، از جمله دانش پزشکی، را در ابداع مضامین، آفرینش صورخیال، بیان آراء اندیشه‌های ذهنی خود به کار گرفت.

بحث

دانش پزشکی در خمسه نظامی

از جمله دانش‌هایی که در خمسه نظامی جلب توجه می‌کند، دانش پزشکی است. نظامی در این اثر به انواع بیماری‌ها، داروها و درمان‌ها اشاره کرده است. اگرچه ذکر اصطلاحات این دانش و توصیه‌های پزشکی نظامی هدف اصلی وی نبوده، اما وجود همین نکات هر چند گذرا، بیانگر آگاهی نظامی از دانش طب و پزشکی است. همچنین هیچ‌گاه از نظامی با عنوان پزشک یا طبیب یاد نشده است. محمد عوفی در کتاب «لباب الألباب» از وی با عنوان «الحکیم الکامل» یاد کرده است (ر.ک: عوفی، ۱۳۳۵: ۵۲۹). بدون کمترین تردید می‌توان نظامی را «آگاه از علوم مختلف زمانش چون: نجوم، فلسفه، طب، هیئت، کلام، هندسه و غیره به شمار آورد. در این

میان با توجه به نمونه‌های فراوان موجود در آثار نظامی، آگاهی گسترده‌ی او از دانش پزشکی و آشنایی عمیقش با بیماری‌ها، درمان آن‌ها و داروهای گیاهی انکارناپذیر است، ازین رو می‌توان حدس زد که او به احتمال برخی از کتب طبی روزگار خود را مطالعه کرده است» (محمد حسنین، ۱۹۵۴م: ص ۱۱۹؛ به نقل از ساکت، ۱۳۸۶: ۶۴).

در این بخش به لغات و اصطلاحات دانش پزشکی در خمسه نظامی ذیل شش زیرمجموعه لغات و اصطلاحات عمومی، بیماری‌ها، درمان‌ها، مشاغل پزشکی، ابزار پزشکی و باورها و عقاید مربوط به این دانش پرداخته و نمودار فراوانی ترسیم می‌شود.

لغات و اصطلاحات عمومی

برخی اصطلاحات به کار رفته در اشعار نظامی، جزو اصطلاحات عمومی دانش طب به شمار می‌آید. بسامد این اصطلاحات در خمسه نظامی ۵۴ مورد معادل ۱۳.۵ درصد، ذیل ۸ عنوان بوده است: اخلاط، مزاج، بیماری، بیمار، علت، دارو و عقاقیر، داروخانه، تندرستی. اخلاط جمع خلط است. در پزشکی بر اثر استحاله و تغییر حالت در غذاها، جسمی تر و سیال در بدن ایجاد می‌شود، که اصطلاحاً به آن خلط گویند این عارضه در بدن در حال گردش است و برای آن چهار نام ذکر شده است: صفرا، دم، بلغم و سودا. حکیم نظامی در «هفت‌پیکر» خود به این قضیه اشاره می‌کند که وجود انسان برگرفته از چهار خلط است:

هر نواله که معده تو پزد خطی آن را به رنگ خود برزد
از سروپای تا به گردن و گوش هست از این چار خلط عاریه پوش
(نظامی، ۱۳۷۶: ۳۵۴)

بیمار و بیماری از دیگر لغات عمومی در دانش پزشکی است. نظامی می‌گوید:

ز بیماری دل شیرین چنان تنگ که می‌کرد از ملامت با جهان جنگ
خوش است این داستان در شأن بیمار که شب باشد هلاک جان بیمار
بود بیماری شب جان سپاری ز بیماری بت‌بیمار داری
(نظامی، ۱۳۷۶: ۲۹۲)

بیماری‌ها

بیماری‌ها در خمسه نظامی عبارتند از: آبله، اختلاج، استسقا، برص، انواع تب، تبخاله، توهم، خارش، خفقان، خناق، سردرد، دق، دیوانگی، رمد، زکام، سرسام، سبل، صداع، صرع، ناخنه چشم، با بسامد ۱۲۱ بار معادل ۳۰.۴ درصد. بیماری تب و انواع آن پربسامدترین بیماری در

خمسسه نظامی است. در بیت زیر، از اقبالنامه منظور نظامی از تب مرگ، تب دق است. طبی که دائمی است و عواضی جز لاغری و فرسودگی ندارد و در نهایت منجر به مرگ بیمار می‌شود. تب مرگ چون قصد مردم کند علاج از شناسنده پی گم کند (همان، ۱۴۳۵)

۷

صداع و سردرد یکی از شایع‌ترین بیماری‌های مربوط به سر است. نظامی در «شرف‌نامه» به استفاده از گلاب برای درمان سردرد ناشی از نوشیدن شراب اشاره می‌کند و در «هفت‌پیکر» از درمان دیگر سردرد سخن می‌گوید؛ یعنی درمان با صندل.

صندل آسایش روان دارد بوی صندل نشان جان دارد
صندل سوده درد سرببرد تب ز دل تابش از جگر ببرد
(نظامی، ۱۳۷۶: ۱۴۴)

ابن‌سینا در این باره می‌گوید برای حرارت شدید از کافور و صندل استفاده کن و چنانچه سردرد ناشی از بوی مشک و زعفران باشد، معالجه آن با کافور یا صندل امکان‌پذیر است (ر.ک: ابن‌سینا، ۱۳۶۳: ۶۹). آبله تاولی که در چشم ایجاد می‌شود و با خارش و التهاب همراه است. در بیت زیر از نظامی به این بیماری اشاره شده. از نظر طبی در صورت عدم مراقبت درست، امکان دارد چشم دچار نقصان دیدن و سفیدی مردمک شود (ر.ک: عقیلی خراسانی، ۱۳۸۷: ۳۸). آفت آبله رسیده به ماه ز آبله دیده‌هاش گشته تباه (نظامی، ۱۳۷۶: ۲۰۱)

درمان‌ها

در اشعار نظامی به درمان بیماری‌ها نیز اشاره شده است که مهم‌ترین و پرکاربردترین آن استفاده از انواع داروهای گیاهی، داروهای معدنی (کانی)، ترکیبی و قرص‌ها است. این داروها عبارتند از: افیون، تباشیر، ترانگبین، تفاح، حصرم، درمنه، زعفران، سپرغم، سداب، سرکه، شربت، شکر و نیشکر، عناب، کافور، قرصه کافور، مرجان، مهره مار، توتیا، سرمه، گوگرد، یاقوت، جوارش، حلوا، گلشکر، مفرح، نوشدارو، ضماد یا مرهم، زهر، زهر افعی، زهر کژدم، پادزهر، تریاک، تریاق چشم‌گوزن، گلاب، مش. بسامد داروها در خمسسه نظامی ۱۱۱ مورد معادل ۲۷.۹ درصد است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

قرصه کافور، قرصی که از ترکیب کافور و دیگر چیزها ساخته و سبب پایین آوردن تب می‌شد. نظامی در صفحه ۲۱۴ «اقبال‌نامه» به این خاصیت قرصه کافور اشاره کرده است.

بسی تب زده قرص کافور کرد نخورده شد آن تب چو کافور سرد
توتیا از داروهای معدنی و مقوی چشم و درمان کننده چشم درد است. نظامی در بیت زیر از
«لیلی و مجنون»، به نوع هندی توتیا و تأثیر آن در افزایش بینایی اشاره کرده است:

سیاهی توتیای چشم از آن است که فرارش ره هندوستان است
(نظامی، ۱۳۷۶: ۳۹۷)

مفرح ترکیبی است از مواد معدنی و نباتی، برای تقویت مزاج یا تسکین درد و یا از بین بردن
خفقان و اخلاط فاسد، و تصفیه خون و تقویت اندامها در ایام نقاهت. طبای قدیم برای
برآوردن نیازهای مراجعان، با توجه به موارد استعمال مفرحها نسخه‌های مختلف آن‌ها را درست
می‌کردند (ر.ک: جرجانی، ۱۳۵۵: ۴۲۳). در باورهای طبی مفرح شادی آور است. نظامی
می‌گوید:

که سودا را مفرح زر بود، زر مفرح خود به زر گردد میسر
(همان، ۲۲۸)

نظامی در مخزن‌الأسرار به گیاهی به نام تباشیر و تأثیر آن در رفع تشنگی اشاره کرده است.
«این گیاه و رفع‌کننده تشنگی، قطع‌کننده اسهال خونی، بازدارنده خلط صفاوی، درمان‌کننده ورم
گرم، زخم دهان و جوش زبان، خفقان، غش و بواسیر، از بین برنده تب و مقوی قلب و جگر و
معدنه و زائل‌کننده ترس و غم و اندوه است» (حسینی، ۱۳۷۳: ۵۷۶).

کعبه که سجاده تکبیر توسط تشنه جلباب تباشیر توسط
(نظامی، ۱۳۷۶: ۲۲)

طبای قدیم مرجان را در مفرحها به کار می‌برند و در مواردی هم به عنوان داروی چشم از
آن استفاده می‌کردند و معتقد بودند که نور بصر را بیشتر می‌کند و به قوت دید می‌افزاید (ر.ک:
حسینی، ۱۳۷۳: ۱۵۹). نظامی در «شرفنامه» به تأثیر مرجان بر جان اشاره کرده است.

زمانی ز شغل زمین بگذریم به مرجان پرورده جان پروریم
(نظامی، ۱۳۷۶: ۲۹۹)

اما نظامی به روش‌های دیگری نیز اشاره کرده، که یکی از این روشها فصد است. نظامی با
استفاده از این روش درمان، در «مخزن‌الأسرار»، «شرفنامه» و «خسرو و شیرین»، مضامین زیبایی
خلق نموده است. در ابیات زیر اشاره می‌کند که آماس و ورمی که افزایش خون در بدن بوجود
آمده با فصد کردن و ریختن خون‌های اضافه التیام می‌یابد و درمان می‌شود.

کسی کور از خون آماس خیزد کی آسوده شود تا خون نریزد
(همان، ۸۶)

از دیگر شیوه‌های درمان می‌توان به جراحی اشاره کرد. نظامی در بیت زیر به جراحی و قطع کردن عضوی که مار آن را گزیده اشاره می‌کند. بنا به نظر ابن‌سینا در کتاب قانون اگر مار بسیار خطرناک عضوی را بگذرد، چون منجر به مرگ می‌شود «تنها چاره آن است که فوراً اندام مار گزیده بریده شود» (ابن‌سینا، ۱۳۶۳، ج ۷/ ۵۵).

چون مار گزیده گردد انگشت واجب بودش بریدن از مشمت
(نظامی، ۱۳۷۶: ۸۶)

از نکات جالب توجه در اشعار نظامی تأثیر معکوس داروها و درمان‌هاست. با توجه به طب قدیم و استناد به ابیات نظامی چنین استنباط می‌شود که اعتقاد بر این بوده آب باعث سردی و افزایش بلغم شده و سبب افسردگی می‌گردد. اما در بیت زیر عکس این امر اتفاق می‌افتد. ابر که پژمردگی را از بین می‌برد و داروی پژمردگی است و نشاط را بدنبال دارد، سبب افسردگی می‌شود.

ابر که جان‌داروی پژمردگیست هم قدری بلغم افسردگیست
(همان، ۶۰)

در بیت زیر نیز چنین موردی دیده می‌شود. گوزن از حسرت چشم چالاک از مژگان به جای پادزهر، زهر تولید می‌کند.

گوزن از حسرت این چشم چالاک ز مژگان زهر پالاید نه تریاک
(همان، ۲۸۶)

«گفته شده است ریم و چرک گوشه چشمان گوزن برای مقابله با زهر مار به عنوان پادزهر استفاده می‌شود.» (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۹۶۳).

چنین موردی در شعر خاقانی هم دیده می‌شود که در آن نارنج که برای دفع صفرا به کار می‌رود تأثیر عکس داده و شاعر تلاش می‌کند با وجود آن، صفرایش بالا نرود:

رنگ و بازیچه است کار گنبد نارنگ رنگ چند کوشم کز بروتم نگذرد صفرای من
(خاقانی، ۱۳۸۵: ۳۲۰)

مشاغل مربوط به دانش پزشکی

مشاغل مرتبط با طب در خمسه نظامی عبارتند از: طبیب، پزشک (ر.ک: نظامی، ۱۳۷۶: ۴۲۹ و ۷۸۴)، عطار (همان، ۷۱۰)، فصاد (همان، ۶۰ و ۲۶۵). بسامد این مشاغل ۲۵ بار معادل ۶.۳ درصد است. نظامی در «لیلی و مجنون» با استفاده از حدیث نبوی، فقیه را عالم‌الادیان و طبیب را عالم‌الابدان معرفی نموده که می‌توان آن را جزو تلمیحات قرآنی به‌شمار آورد:

پیغمبر گفت: علم علمان علم‌الادیان و علم‌الابدان
در ناف دو عالم بوی طیب است و آن هر دو فقیه یا طبیب است
(نظامی، ۱۳۷۶: ۴۷)

به نظر محسنی وادقانی و همکاران پزشکان می‌توانند «با الگو قرار دادن انبیاء مانند آن‌ها عمل کنند و مراحل درمان جسم را همچون مراحل درمان روح و روان انجام دهند» (۱۳۹۹).

ابزار پزشکی

نظامی در خمسه از حقه، طشت، قاروه، مجمر و نشتر سخن گفته است. بسامد ابزار در خمسه ۷۱ مورد برابر با ۱۷.۸ در صد است. طشت ظرفی است که طبیبان برای خون گرفتن و فصد کردن از آن استفاده می‌کردند تا خون بر روی زمین نریزد.

فضولی کز آن مایه آمد به زیر به طشتی در انداخت دانا دلیر
چو پر کرد از اخلاط آن مایه طشت بت خوب در دیده ناخوب گشت
(نظامی، ۱۳۷۶: ۳۶۶)

قاروره در لغت به معنای ظرف شیشه‌ای است و در اصطلاح طب شیشه مدور کوچک به شکل مثانه که در آن ادرار می‌ریختند و نزد طبیب می‌بردند (ر.ک: معین، ۱۳۶۲: ذیل واژه). نظامی در «لیلی و مجنون»، تشخیص بیماری لیلی را با استفاده از نبض و قاروره می‌داند.

قاروره شناس نبض بفشرد قاروره شناخت رنج او برد
(نظامی، ۱۳۷۶: ۱۴۶)

باورها و عقاید پزشکی

یکی از زیرشاخه‌های مهم باورهای عامیانه، باورهای پزشکی و طبی و چگونگی درمان بیماری‌هاست. در گذشته به دلایل مختلفی از جمله نبودن پزشک، مردم با آمیزه‌ای از داروهای گیاهی و باورهای خرافی، به درمان بیماری‌ها می‌پرداختند. باورها و عقاید طبی و پزشکی حدود ۱۶ بار معادل ۴.۱ درصد از اشعار نظامی را به خود اختصاص داده است.

تشکیل اشک از بخار جگر

پیشینیان معتقد بودند که از جگر تفته از درد و رنج بخارهایی برمی‌خیزد. این بخارها مانند ابر در دماغ گرد می‌شوند. سپس باران اشک از مژه‌ها بیرون می‌ریزد (ر.ک: کزازی، ۱۳۸۸: ۲۷۴).
خوناب جگر ز دیده ریزان چون بخت خود افتان و خیزان
(نظامی، ۱۳۷۶: ۸۵)

دُر و شادمانی

در خواص دُر گفته شده که رطوبت چشم را از بین می‌برد و دل را شاد می‌کند، چشم را روشن می‌گرداند و غم و اندوه را از بین می‌برد (ر.ک: دُنیسری، ۱۳۵۰: ۱۵۴). نظامی در صفحه ۱۹۲ منظومه «لیلی و مجنون» به تأثیر دُر، در از بین بردن غم و اندوه و ایجاد شادی دل اشاره می‌کند:

ای مـرهم صـد هـزار سـینه در مـن و مـی در آـبگـینه
افسون و عزایم در درمان مصروع

در نظر قدما عزیمت و افسون خواندن در درمان صرع نافع است.
در او پیچید و آن شب کام دل راند چو مصروعی بر افسونی غلط خواند
(نظامی، ۱۳۷۶: ۲۸۱)

رفع تب با استفاده از رشته تب

نظامی در بیت زیر، از لیلی و مجنون، با استفاده از این باور می‌گوید: رشته‌ای که برای تب بسته بود آن قدر پر گره بود که امیدی به باز شدن آن نبود.
برداشت از او امید بهبود کان رشته تب پر از گره بود
(همان، ۱۵۸)

یاقوت و افزایش نور چشم

قدما معتقد بودند یاقوت نور چشم را زیاد می‌کند. به گفته عقیلی خراسانی «اکنحال آن مقوی نور باصره و حافظ صحت چشم است» (عقیلی خراسانی، ۱۳۷۱: ۸۹۷).
گوهرش داده دیده‌ها را قوت زرد و سرخ و کبود چون یاقوت
(همان، ۱۳۸)

سبزه و روشنائی چشم

همدانی نور سبز را سبب افزایش نور چشم می‌داند و می‌گوید: «اگر در سبزی نگرد، بصر افزایش» (همدانی، ۱۳۷۵: ۱۷). نظامی در صفحه ۲۱۴ «هفت‌پیکر» در این بار می‌گوید:

جان به سیزی گراید از همه چیز چشم روشن به سبزه گردد نیز
یرقان و پوشیدن لباس تیره

اطبای پیشین برای بیماران مبتلا به یرقان که بدن زرد می‌شود، لباس سیاه یا آبی تجویز می‌کردند (ر.ک: دستگردی، ۱۳۷۸: ۴۳). در صفحه ۴۳ «هفت‌پیکر» به این باور اشاره شده است:

هر نگاری که زر بود بدنش لاجوردی ز نند پیـرهـنش
ماه‌زدگی

تأثیر ماه بر رفتار انسان‌ها از باورهای کهنی بوده که عوام بدان اعتقاد کامل داشتند. «چون ماه نقصان می‌گیرد، مغزها نیز نقصان می‌گیرد... به وقت هلال صرع تحویل کند، کی ماه فزاید. چون در کاهش آید مغز ضعیف و صرع معاودت کند» (طوسی، ۱۳۴۵: ۵۴).

شیفتم چون خری که جو بیند یا چو صرعی که ماه نو بیند
(نظامی، ۱۳۷۶: ۷۱۱)

افعی و زمرد

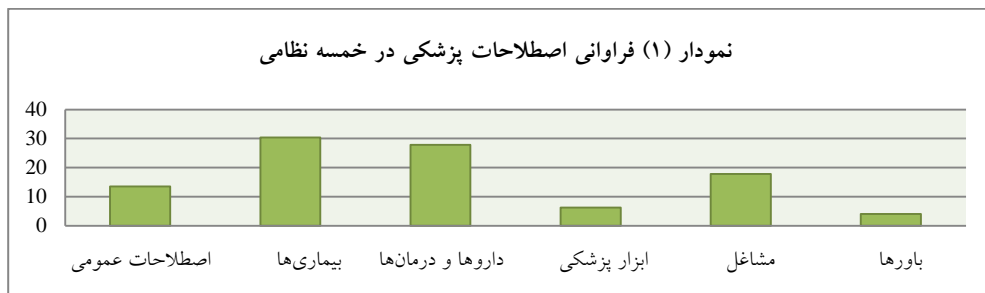
نظامی به باور فرار افعی از زمرد اعتقاد داشته است. وی در مخزن‌الأسرار چنین گفته:

هر که در او دید دماغش فسرد دیده چو افعی به زمرد سپرد
(همان، ۶۰)

خاک و بند آوردن خون

در گذشته‌ها معمول بوده که اگر جراحی مختصری به دست یا پای برسد، برای بستن خون، خاک بر سر آن زخم می‌ریزند؛ زیرا بر این باورند که خاک سبب بند آوردن خون می‌شود.

نشد ممکن که این خاک خطرناک بر انگشت بریده بر کند خاک
(خسرو و شیرین، ۲۵۶/ ۸۶)



کاربردهای هنری نظامی در بازتاب دانش پزشکی

صور خیال

تشبیه

تشبیه از صور خیال پرکاربرد در خمسه نظامی است. تشبیهات طبی ۲۱ مورد، معادل ۱۰.۷ درصد انواع آرایه‌ها را به خود اختصاص داده است. تشبیهات گوناگونی چون بلیغ، مرسل، مفصل، تفضیلی، مرکب، جمع و ... به عنوان مثال:

پریرویی که در دل خانه کرده دلَم را چون پری دیوانه کرده
(نظامی، ۱۳۷۶: ۳۴۱)

در این بیت معشوق و زیبارو به پری مانند شده که دل را دیوانه کرده است که تشبیهی مرسل، مفصل، مقید به مفرد و حسی به عقلی است. از انواع زیبای تشبیهات نظامی، تشبیهاتی است که مشبه آن استعاره است. در «لیلی و مجنون»، شاعر نرگس (استعاره از چشم) را به تب‌زدگان مانند می‌کند، که تشبیه مرسل، مفصل، محسوس و مفرد به مفرد است:

نرگس ز دماغ آتشین تاب چون تب‌زدگان بجسته از خواب
(نظامی، ۱۳۷۶: ۴۶)

در بیتی دیگر، از «هفت‌پیکر» گل‌جهت، تشبیه بلیغ است که در آن پیشانی (جبهه) به گل مانند شده است. تشبیه مفرد به مفرد، حسی به حسی است.

شاه چون خورد ساغری دو سه می از گل‌جبهتش برآمد خوی
(همان، ۱۲۴)

تشبیه من به شیره درخت آبدار در «خسرو و شیرین» (همان، ۲۲۱)، تأثیر بیت، در تشبیه بیت خواندن برای شنونده به روغن زیت برای رگ مفلوج که تشبیهی مفصل و محسوس و مقید است (ر.ک: همان، ۴۲۶)، تشبیه تفضیلی گل‌انگبین به گیا و برتری آن در «لیلی و مجنون» (همان، ۲۰۶)، تشبیه جمع مرغ سحر به سرسامی و صرعی در «شرف‌نامه» (همان، ۴۵۲) و تشبیه همت خاصان و دل‌عامیان به سرسامیان در شیفتگی در «مخزن‌الأسرار» (همان، ۷۸)، تشبیه بلیغ شبلید سرشک از انواع دیگر تشبیه است که یکی از طرفین آن با دانش پزشکی مرتبط است.

تشخیص

نظامی در اشعار مرتبط با دانش پزشکی نیز تشخیص را به کار برده است. این آرایه ۱۱ بار معادل ۵.۶ درصد از ابیات مرتبط با دانش پزشکی را به خود اختصاص داده است. در اشعار وی

شب به انسانی تشبیه شده که دچار بیماری خناق شده و شفق به طیبی مانند شده که او را درمان کرده است.

فلک سرمست بود از پویه چون پیل خناق شب کبودش کرد چون نیل
طیبیان شفق مدخل گشادند فلک را سرخی از اکحل گشادند
(همان، ۲۷۷)

ماه مانند آدمیان دچار آبله می شود و همین بیماری بینایی وی را تباه می کند.
آفت آبله رسیده به ماه ز آبله دیده هاش گشته تباه
(همان، ۲۰۱)

آفاق به انسانی مانند شده که دچار بیماری گلودرد شده است.
گلو درد آفاق را از غبار لعابی زجاجی دهد روزگار
(همان، ۱۴۴۲)

خاطر به انسانی مانند شده که بر اثر خیال بازی می میرد (ر.ک: همان، ۷۵۱)، چراغ به انسانی
مانند شده که چشم دارد و دیدگانش بر اثر رشک، دچار آبله و تورم شده است (ر.ک: همان،
۲۷) و فلک به انسانی مانند شده که دچار بیماری ناخن چشم شده است (ر.ک: همان، ۲۷).

کنایه

کنایه ۵ مورد، معادل ۲.۵ درصد انواع آرایه ها را به خود اختصاص داده است. در بیت زیر، از
«لیلی و مجنون»، پرگه بودن رشته تب کنایه از شدت میزان تب است.

برداشتت از او امید بهیود کان رشته تب پر از گره بود
(همان، ۹۶)

در «خسرو و شیرین» در دست آتش افتادن کنایه است از سوزش دست بر اثر خاراندن.
به اول دست را خارش خوش افتد به آخر دست، بر دست آتش افتد
(همان، ۱۷۲)

صندل سای گشتن کنایه از آرام بخش شدن (ر.ک: همان، ۱۷۲). خار از ریش برخاستن کنایه از
تسکین پیدا کردن درد (ر.ک: همان، ۲۶۷) و سگ گزیده کنایه از بیمناک و هراسان بودن (ر.ک:
همان، ۱۳۱).

مجاز

بسامد انواع مجاز مرتبط با دانش پزشکی در خمسه ۶ بار معادل ۳.۱ درصد است. به عنوان مثال در بیت زیر از هفت پیکر:

مشتری را ز فرق سر تا پای درد سر دید و گشت صندل‌سای
(همان، ۲۵)

از فرق سر تا پای مجاز از کل و سراسر و در دسر مجاز از گرفتاری است. این مجاز در بیت زیر از «هفت پیکر» نیز به کار رفته است:

گفت بلقیس که ای رسول خدای من و تو تندرست سر تا پای
(همان، ۹۲)

در صفحات ۶۹۳، ۶۶۲، ۴۸۲ خمسه نیز صداع مجاز از گرفتاری است.

آرایه‌های بدیعی

تکرار

این آرایه لفظی ۳۸ بار ۱۹.۴ درصد از آرایه‌های بدیعی را به خود اختصاص داده است. در بیت زیر، از «اقبال‌نامه» دو واژه کافور و تب تکرار شده است:

بسی تب زده قرص کافور کرد نخورده شد آن تب چو کافور سرد
(نظامی، ۱۳۷۶: ۹۲۴)

تکرار واژه بیمار و بیماری در دو بیت زیر از «خسرو و شیرین» دیده می‌شود:

خوش است این داستان در شأن بیمار که شب باشد هلاک جان بیمار
بود بیماری شب جان سپاری ز بیماری بت‌بیمار داری
(همان، ۲۹۲)

تکرار واژه مداوا (همان، ۱۳۷)، تکرار صفرا (همان، ۱۲۷)، تکرار صندل (همان، ۱۴۴)، تکران زعفران (همان، ۱۹۷)، تکرار سرکه (همان، ۱۶۱)، تکرار مفرح (همان، ۲۲۸) تکرار خون (همان، ۳۰۴ و ۵۴۸)، تکرار صفرا (همان، ۶۷)، بیمار (همان، ۲۲۷)، تکرار صندل (همان، ۱۴۴)، تکرار حصرم (همان، ۶۴۰)، تکرار رگ (همان، ۶۰) و ...

یکی از انواع تکرار تصدیق است که ۲۴ مورد تصدیق در اصطلاحات پزشکی دیده شده است.

در بیت زیر، از «لیلی و مجنون»، در تکرار واژه پرهیز، نوعی تصدیق وجود دارد:

چون وقت بهی، در آن تب تیز پرهیز شکن شکست پرهیز

(نظامی، ۱۳۷۶: ۱۴۶)

تصدیر واژه آبله (همان، ۲۰۱)، تصدیر واژه مداوا (همان، ۱۳۷)، تصدیر واژه زهره (همان، ۲۱۱ و ۴۶۸)، تصدیر واژه کافور (همان، ۳۵ و ۲۱۴)، تصدیر واژه قاروره (همان، ۱۴۶)، تصدیر در واژه بیمار (همان، ۱۳۷ و ۲۲۷) و ...

جناس

نظامی در ابیات مرتبط با اصطلاحات پزشکی ۳۱ بار، معادل ۱۵.۹ درصد، انواع جناس را بکار برده است. مثلاً در بیت زیر، از «اقبال‌نامه» بین دو واژه تب و تاب، جناس زاید وجود دارد.

مهی داشت تابنده چون آفتاب ز بحران تب یافتنه رنج و تاب
(همان، ۸۵۲)

جناس مزید میان انگبین و ترانگبین (همان، ۳۶۵)، جناس مذیل میان زخم و زخمی (همان، ۸۲)، سر و سرسام (همان، ۱۲۹) و درمنه و درم (همان، ۴۲)، جناس تام بین دو واژه بیمار (همان، ۱۳۶)، جناس مطرف میان تاب و تب (همان، ۹۲) و سودا و سویدا (همان، ۲۲۳)، جناس مضارع میان تن و تب (همان، ۵۸)، جناس مرکب میان سپرغم و سپرغم (همان، ۵۲۷)
جناس مذیل میان جناس بین گلشکر و گلشکروار (همان، ۲۱۷)، جناس در سیمین و سمن (همان، ۲۷)، جناس میان یاقوت و قوت (همان، ۵۱۵)، جناس میان مرجان و جان (همان، ۲۹۹)، جناس میان بیمار و تیمار (همان، ۴۲۹)، جناس میان صیاد و فصاد (همان، ۲۶۵)، جناس در سبزی و سبزه (همان، ۲۱۴) و ...

حسن تعلیل

شاعر در این بیت از «خسرو و شیرین» برای پریدن چشم اشکبار خود علتی زیبا ذکر می‌کند.
کنونم می‌جهد چشم گهربار چه خواهم دید بسم‌الله دگربار
(همان، ۱۹۷)

زر که زرد است مایه طرب است طین اصفر عزیز از این سبب است
(همان، ۲۰۶)

در این بیت از «هفت‌پیکر» شاعر علت عزیز بودن طین اصفر را زرد بودن و منسوب بودن به زر دانسته است.

گوزن از حسرت این چشم چالاک ز مژگان زهر پالاید نه تریاک

(همان، ۲۹۵)

در این بیت نیز نظامی حسرت را علت ریختن زهر از چشم گوزن می‌داند.
نظامی در بیت زیر کوبیده شدن گرز بر سر البرز را علت تبلرزه وی می‌داند.

ز شـوریدن نالـهء کـرنـای برافتاد تب لـرزه بر دست و پای

(همان، ۲۱۱)

بسامد کاربرد حسن تعلیل ۸ مورد، برابر با ۱۴.۱ درصد است.

تضاد

این آرایه ۱۹ بار معادل ۹.۷ درصد ابیات مرتبط با دانش پزشکی را به خود اختصاص داده است. به عنوان مثال تضاد بین زهر و تریاک در بیت زیر، از «خسرو و شیرین»:

گوزن از حسرت این چشم چالاک ز مژگان زهر پالاید نه تریاک

(نظامی، ۱۳۷۶: ۲۹۵)

میان درد و درمان در بیت زیر، از «خسرو و شیرین» تضاد وجود دارد.

چو خواهی که یابی روی درمان مکن درد از طیب خویش پنهان

(همان، ۴۶)

میان کلمات بیهوش و بهوش (همان، ۲۵۱)، درد و دوا (همان، ۴۱ و ۲۰۹)، شهد و شکر با حنظل و افیون (همان، ۵۲۱)، راحت و جراحت (همان، ۶۷)، خوب و ناخوب (همان، ۳۳۶)، تضاد میان کم خوردن و پر خوردن (همان، ۲۱۷)، شهد و شکر با حنظل و افیون (همان، ۵۲۱)، رنج و راحت (همان، ۸۳۵) و ... نیز، که جزو اصطلاحات پزشکی هستند، تضاد وجود دارد.

تناسب

تناسب از پرکاربردترین آرایه‌های مربوط به دانش پزشکی در خمسه نظامی است که ۴۳ مورد، معادل ۲۲.۱ درصد ابیات را به خود اختصاص داده است.

ز بیدش گربه بیدانجیر کرده سرشکش تخم بیدانجیر خورده

(همان، ۹۲)

در این نمونه از «خسرو و شیرین» نظامی میان بید و بیدانجیر و تخم بیدانجیر تناسب وجود دارد. در بیت زیر، از همین منظومه:

مکن سودا که شیرین خشم ریزد ز شیرینی بجز صفا چه خیزد

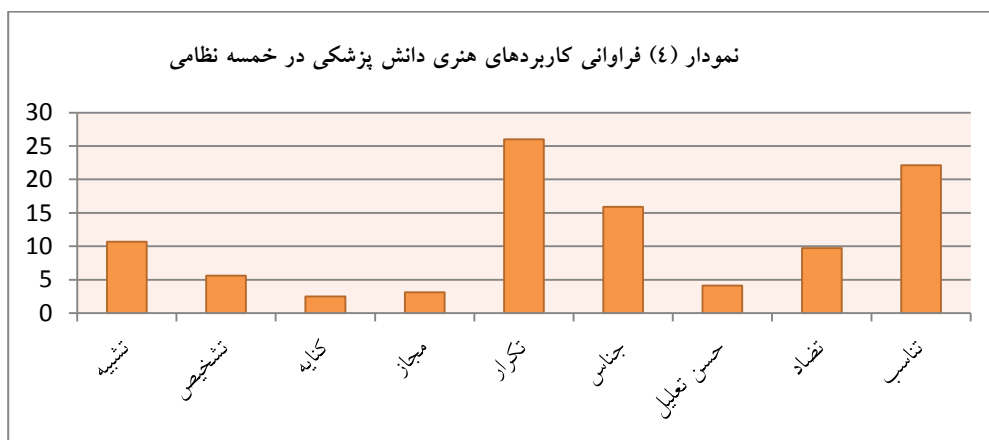
(همان، ۹۱)

میان سودا و صفرا و نیز میان خشم و صفرا تناسب وجود دارد و در بیت زیر از «هفت پیکر» میان بین جبهه و عرق تناسب وجود دارد.

شاه چون خورد ساغری دو سه می از گل جهتش برآمد خوی
(همان، ۱۲۴)

بین دو واژه سوسن و سیر در این بیت از «مخزن الأسرار» تناسب وجود دارد:
به سوسن بوی شه گفتا چه تدبیر؟ سمن بر گفت: سالی سوسن و سیر
(همان، ۵۳۱)

همچنین است تناسب میان گوزن و چشم و مژگان و تریاک (همان، ۲۹۵)، سنگ و مهره و مهره گل و مهره بازو (همان، ۸۹)، طبی، نبض و بیماری (همان، ۲۲۷)، درد، دوا و بیمار (همان، ۲۶۲)، بیمار، اندوه و تیمار (همان، ۴۳۱)، مداوا، بیماری و شربت (همان، ۲۴۰)، تب، حلوا و صفرا (همان، ۹۶)، بحران، تب، رنج و تاب (همان، ۴۱۸)، تناسب میان ناف و شکم (همان، ۳)، تناسب میان سال و ماه، رنج و زاری، بیمار و بسیار خواری (همان، ۲۰۵)، تناسب میان زعفران و خنده (همان، ۱۹۷)، تناسب میان سر و جگر (همان، ۷۷۵)، تناسب میان کافور و سردی و تبزده و قرص کافور (همان، ۲۳۳)، تناسب میان سپند و عود (همان، ۱۸۱)، تناسب میان صندل و عود (همان، ۱۳۲۱) و ...



نتیجه‌گیری

دانش پزشکی در بسیاری موارد یاریگر ما در درک بهتر و صریح‌تر مفاهیم اشعار نظامی خواهد بود و با آگاهی نسبی از این دانش می‌توان به ظرافت‌های موجود در سروده‌های این شاعر پی ببریم. نظامی به عنوان یکی از شاعران سبک آذربایجانی، با توجه به ویژگی سبکی و

عادت اهل زمانه به آوردن انواع دانش و علوم که دانش پزشکی نیز یکی از آنها بوده است، علاقه و تمایل وافری نشان داده و بسیاری از لغات و اصطلاحات این دانش اعم از اعضای بدن و بیماری‌های مربوط بدان‌ها، انواع داروها و درمان‌ها را به کار برده و حتی به باورهای مختلف مردم درباره این دانش نیز اشاره کرده است. نظامی حکیم و شاعری توانمند است که با استفاده از اطلاعات گسترده خود در دانش پزشکی و به مقتضای اصول و مبانی دانش کلام در آفرینش مضامین بهره برده است و حتی دانش پزشکی و بیماری‌ها و شیوه‌های درمان این بیماری‌ها را مورد نظر قرار داده است. وی در اشعار خود اصطلاحات پزشکی بسیاری را در خلال داستان‌ها و حکایات زیبا بیان کرده است و بدین ترتیب آگاهی و استادی خود را به مخاطب خود نشان داده است.

از نوآوری‌های نظامی در خمسه نظامی، می‌توان به نتایج برعکس داروها و درمان‌ها اشاره کرد که این مورد در اشعار خاقانی، شاعر برجسته سبک آذربایجانی هم دیده شده است. بسامد اصطلاحات دانش پزشکی در خمسه نظامی بدین بدین ترتیب است: انواع بیماری‌ها ۳۰.۴ درصد، انواع داروها و درمان‌ها ۲۷.۹ درصد، ابزار پزشکی ۱۷.۸ درصد، لغات و اصطلاحات عمومی ۱۳.۵ درصد، مشاغل ۶.۳ درصد و باورها ۴ درصد.

نظامی با ذوق هنری خود و با استفاده از صورخیال (تشبیه، تشخیص، کنایه و مجاز) و آرایه‌های بدیعی مانند: تکرار، جناس، حسن تعلیل، تضاد، تشخیص و تناسب در ارتباط با دانش پزشکی تصاویر زیبایی خلق کرده است. فراوانی انواع آرایه‌ها بدین گونه است: تشبیه ۱۰.۷ درصد، تشخیص ۵.۶ درصد، کنایه ۲.۵ درصد، مجاز ۳.۱ درصد، تکرار ۲۶ درصد، جناس ۱۵.۹ درصد، حسن تعلیل ۴.۱ درصد، تضاد ۵.۶ درصد و تناسب ۲۲.۱ درصد که با توجه به درصدها، نظامی از تکرار و تناسب، بیشترین بهره را برده است.

از ۱۹۵ مورد آرایه یافت شده مرتب با دانش پزشکی در خمسه نظامی ۱۶.۴ درصد آن مربوط به بیان و ۸۳.۶ درصد آن مربوط به بدیع است.

نظامی در کاربرد اصطلاحات پزشکی به دو جنبه توجه داشته‌اند:

الف) جنبه علمی که در آن شاعر به جنبه علمی مسائل پزشکی توجه نموده است.

ب) جنبه ادبی که شاعر به جنبه بلاغی توجه کرده و اصطلاحات این دانش را در خیال‌انگیزی و تصویرسازی به کار برده است.

کتاب‌ها

- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۶۳). *قانون در طب*، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی هه‌ژار، تهران: سروش.
- براهنی، رضا. (۱۳۸۰). *طلا در مس (در شعر و شاعری)*، تهران: زریاب.
- تهانوی، محمدعلی بن علی. (۱۳۷۶). *کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*، ترجمه جورج زیناتی و عبدالله خالدی، تهران: سپاس.
- جرجانی، اسماعیل. (۱۳۵۵). *ذخیره خوارزمشاهی*، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۰). *راز بقای ایران در سخن نظامی*، تهران: گنج دانش.
- حسینی، محمد مؤمن. (۱۳۷۳). *تحفه حکیم مؤمن یا تحفه المؤمنین*، مقدمه دکتر محمود نجم‌آبادی، تهران: کتابفروشی مصطفوی.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل. (۱۳۸۵). *دیوان خاقانی*، به اهتمام ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوار.
- خدادادی، جمشید. (۱۳۸۸). *کلید ورود به طب قدیم*، تهران: نشر شهر.
- ڈنيسرى، شمس‌الدین محمد. (۱۳۵۰). *نوادر التبادر لتحفه البهار*، به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). *لغتنامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- راستگو، سید محمد. (۱۳۷۶). *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، تهران: سمت.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۶). *صورخیال در شعر فارسی*، تهران: آگاه.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۲). *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد ۲، تهران: فردوس.
- طوسی، محمدبن محمود. (۱۳۴۵). *عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات*، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: ترجمه و نشر کتاب.
- عبداللهی، منیژه. (۱۳۸۱). *فرهنگ‌نامه جانوران در ادب فارسی*، تهران: پژوهنده.
- عقیلی خراسانی، محمدحسین. (۱۳۷۱). *منحزن‌الادویه*، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- عوفی، محمد. (۱۳۳۵). *لباب الالباب*، به کوشش سعید نفیسی، تهران: کتابخانه ابن‌سینا و کتابخانه حاج علی علمی.
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۸). *گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی*، تهران: مرکز.

محمد حسنین، عبدالنعیم. (۱۹۵۴م). *نظامی الگنجوی؛ شاعر الفصیله*، قاهره: مکتبه الخانجی.
معین، محمد. (۱۳۶۲). *فرهنگ معین*، تهران: امیرکبیر.
نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۷۶). *پنج گنج*، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی،
به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
همدانی، محمد بن محمود. (۱۳۷۵). *عجایب نامه*، ویرایش جعفر مدرس صادقی، تهران: مرکز.

مقالات

ساکت، سلمان. (۱۳۸۶). بررسی پاره‌ای مسائل پزشکی در آثار نظامی، *پژوهش‌های ادبی*،
ع(۱۷)، ۶۳-۸۶.

محسنی وادقانی، مجید، خاتمی، احمد و مرادی روستا، ابوالفضل. (۱۳۹۹). بررسی تحلیلی
مباحث و اصطلاحات طب سنتی در مثنوی «من و سلوی» اثر نعمت خان عالی شیرازی، *تفسیر
و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۴ (۵۲)، ۵۰-۶۹.

Doi:10.30495/dk.2022.692013

References

Books

- Abdullahi, M. (2011). *Dictionary of animals in Persian literature*, Tehran: Pazhuhandeh. [In Persian]
- Aghili-Khorasani, M. H. (1992). *Makhzan-Al-Adowieh*, Tehran: Islamic Revolution Publications and Education. [In Persian]
- Aufi, M. (1956). *Labab al-albab*, by the efforts of Saeed Nafisi, Tehran: Ibn Sina Library and Haj Ali Elami Library. [In Persian]
- Brahni, R. (2001). *Gold in copper (in poetry and poetry)*, Tehran: Zaryab. [In Persian]
- Dekhoda, A. A. (1993). *Dictionary*, Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Donisari, Sh. M. (1971). *Nawadar al-Tabadar Latafeh al-Bahar*, edited by Mohammad Taghi Daneshpajoh, Tehran: Farhang Iran Foundation.
- Hamdani, M. M. (1996). *Ajaibnameh*, edited by Jafar Modares Sadeghi, Tehran: Center. [In Persian]
- Hosseini, M. M. (1994). *Tohfa Hakim Momenin or Tohfa al-Momenin*, introduction by Dr. Mahmoud Najmabadi, Tehran: Mostafavi bookstore. [In Persian]
- Ibn-Sina, H. A. (1984). *Law in Medicine*, Trans. Abdur Rahman Sharafkandi Ha-Jhar, Tehran: Soroush. [In Persian]
- Jafari Langroudi, M. J. (1991). *The Secret of Iran's Survival in Military Speech*, Tehran: Ganj Danesh. [In Persian]
- Jorjani, I. (1976). *Khorazmshahi Collection*, by Ali-Akbar Saeedi Sirjani, Tehran: Farhang Iran Foundation. [In Persian]
- Kazazi, M. J. (2009). *report on the difficulties of the Khagani court*, Tehran: Center. [In Persian]

Khaqani, A. B. (2006). *Diwan Khaqani*, by Ziauddin Sajjadi, Tehran: Zovar. [In Persian]

Khodadadi, J. (2008). *The key to ancient medicine*, Tehran: Shahr Publishing. [In Persian]

Mohammad Hasnain, A. N. (1954). *Nizami Al-Ganjavi; Poet al-Fadilah*, Cairo: Al-Khanji Library. [In Persian]

Moin, M. (1983). *Farhang Moin*, Tehran: Amirkabir. [In Persian]

Nizami-Ganjavi, E. Y. (1997). *Panjganj*, edited by Hasan Vahid Dastgardi, with the effort of Saeed Hamidian, Tehran: Qathr. [In Persian]

Rastgo, S. M. (1997). *Manifestation of Qur'an and Hadith in Persian Poetry*, Tehran: Semit. [In Persian]

Safa, Z. (1993). *History of Literature in Iran*, Volume 2, Tehran: Ferdous. [In Persian]

Shafi'i Kodkani, M. R. (1987). *Sorkhayal in Persian poetry*, Tehran: Aghaz. [In Persian]

Tahanvi, M. A. A. (1997). *Kashaf-Istlahat Al-Funun and Uloom*, Trans. George Zinati and Abdullah Khalidi, Tehran: Thank you. [In Persian]

Tousi, M. M. (1966). *Ajaib-al-Mukhaluqat va Gharayb-al-Mujudat*, by the efforts of Manouchehr Sotoudeh, Tehran: translation and publication of the book. [In Persian]

Articles

Saket, S. (2007). Investigation of some medical issues in military works, *Literary Research*, 4(17), 63-86. [In Persian]

Mohseni Wadghani, M., Khatami, A. & Moradi Rosta, A. (2019). Analytical study of topics and terms of traditional medicine in Masnavi "Mann and Salva" by Nemat Khan Ali Shirazi, *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dekhoda)*, 14(52), 50-69. Doi:10.30495/dk.2022.692013. [In Persian]

Artistic uses of medical knowledge terms in Nizami Ganjavi's poems

Soheila Rajaei¹, Dr. Ruqieh Rezaei², Dr. Hossein Parsaei³

Abstract

Medicine and the knowledge of medicines have been common knowledge in Iran since the distant past. Therefore, the reflection of the words and terms of this knowledge in the brightest cultural mirror of Iran, i.e. verse and prose literature, is not surprising, and writers, especially poets, have benefited from this knowledge in their compositions and from this knowledge, terms and concepts related to it in their creation. and the creation of imaginary themes and figures have been beneficial to the extent that the reference to medical knowledge is considered as one of the stylistic features of the sixth century poems. As a prominent poet of this style, Nizami has shown great interest in using the terms of medical knowledge. The present research aims to investigate and analyze medical knowledge and military art applications in reflecting this knowledge, with descriptive analytical method and using library studies and drawing a frequency diagram, it has researched about medical terms in Khamse. The results show that Nizami had extensive medical knowledge and was aware of the diseases of his age. He is familiar with the properties of various medicines and their effect on the treatment of patients and the way of treating diseases. Nizami has paid attention to both scientific and literary aspects in the use of medical terms. By using this knowledge innovatively and creatively and decorating it with various pictures and novel arrays, he has displayed his art.

Keywords: medical knowledge, diseases, drugs, literary arrays, Nizami Ganjavi.

¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Qaimshahr Branch, Islamic Azad University, Qaimshahr, Iran. soheila.rajaei.2021@gmail.com

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Qaimshahr Branch, Islamic Azad University, Qaimshahr, Iran. (Corresponding author) dr.roghayehrezaei@gmail.com.

³ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Qaimshahr Branch, Islamic Azad University, Qaimshahr, Iran. h.parsaei@qaemiau.ac.ir

